

متن پرسش

سلام علیکم: حضرتعالی در پاسخ ۲۸۶۸۹ فرمودید از عظمت و نقش تاریخی این انقلاب هر چه بگوییم، کم است. اخیرا سفیر اسبق ایتالیا در عراق و از فعالان موثر سازمان ملل، در یکی از نشریه‌ها مطالبی درباره مواجهه انقلاب اسلامی و لیبرال دموکراسی و مواجهه تمدنی تمدن اسلامی و تمدن مدرن مطالبی نوشته بود که جدا اینکه حتی یک چنین فردی که نه مسلمان و نه انقلابی و نه حتی ایرانی است ولی از انقلاب چنین می‌گوید جدا جالب و نمایانگر این است که جدا چرا باید با وجود چنین انقلاب عظیم و چنین رهبران حکیم و عظیم‌الشان، درگیر مشکلات و معضلات نامناسب باشیم که البته مشخص است که این مشکلات ناشی از روحیه غیر انقلابی و عدم تلاش در جهت تحقق حکمرانی و دولت اسلامی بعنوان دغدغه دیرین رهبری عزیزست کما اینکه آنجایی که انقلابی و با بینش دقیق و الگوهای تمدنی اسلامی و با به صحنه آوردن رهنمودهای ولی فقیه پیش رفتیم، نتیجه گرفتیم و دستاوردهای ویژه‌ای داشتیم و توفیقات کسب کرده ایم. واقعا آنچه دل از ما تمنا می‌کرد خودش داشت ولی از بیگانه تمنا می‌کرد و از صراطی غیر از تمدن شیعی و انقلابی می‌طلبید. متن مقاله‌ای که سفیر اسبق ایتالیا و سازمان ملل نوشته به شرح زیر است: «اگرچه ۴۱ سال از انقلاب ایران می‌گذرد، اما تاثیرات و پیامدهای اجتماعی و جغرافیایی این تحول بر منطقه غرب آسیا همچنان ادامه دارد. تغییر حکومت در تهران در سال ۱۹۷۹، آمریکا را از یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های خود در منطقه محروم کرد. بازارهای انرژی پس از سال ۱۹۷۳ تحت تاثیر شوک دوم نفت قرار گرفتند. از همه مهم‌تر تقابل اسلام و غرب رنگ و بوی جدیدی به خود گرفت. انقلاب اسلامی سرانجام باعث ایجاد سلسله‌ای از وقایع در منطقه مشابه جنگ‌های قرن سیزدهم در اروپا شد، با این تفاوت قابل توجه که نسخه خاورمیانه‌ای این جنگ، توسط اعراب به رهبری آمریکا از یک‌سو و ایران و همراهانش از سوی دیگر انجام می‌شود. محور مقاومت اکنون به چهلمین سال خود رسیده و هیچ نشانی از پایان یافتن ندارد. با این حال معنای انقلاب ایران فراتر از مسائل صرف جغرافیایی و اجتماعی است و درک عمیق‌تری می‌طلبد. درک یکی از اقدامات کمتر شناخته شده، اما مهم بنیانگذار انقلاب، آیت‌الله روح‌الله خمینی، چند ماه قبل از درگذشت وی، ممکن است در فهم این امر مفید باشد. در اول ژانویه ۱۹۸۹، رهبر این انقلاب به میخائیل گورباچف رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی نامه‌ای ارسال کرد و گفت که تفکر کمونیستی در مرحله پایانی است. این نامه پیچیده و همراه با منابع معرفتی و فلسفی، حاوی چندین پیام اساسی بود، اینکه بحران کمونیسم به دلیل خدشه‌دار کردن باور به خداوند و گرفتن هویت دینی و وحدانی از جامعه است. ایران انقلابی در مقابله با کمونیسم و سرمایه‌داری به عنوان قهرمانی میان

این دو ایستاد. در اصل، ایران خمینی، جنگ فرهنگی سیستمی را علیه غرب آغاز و تمدن سکولار غربی را به چالش کشید. جنبه معرفتی انقلاب ایران را که کنار بگذاریم، این تحول اقدامی علیه سیطره تمدنی تمدن غربی نه تنها در ابعاد سیاسی و نظامی بلکه مهم‌تر از همه اقتصادی و فرهنگی بود. امروز چهل سال بعد از نامه آیت‌الله خمینی و به ویژه با توجه به پویایی‌های جهانی فعلی باید نسبت به آن تأمل کرد. اروپا و آمریکا در دهه گذشته از جنگ‌های فرهنگی و درگیری‌های هویتی در امان نبوده‌اند، جایی که ارزش‌های دینی و اخلاقی نقش اصلی را نداشته‌اند. استمرار مخالفت ایران با آمریکا و اسرائیل دقیقاً ناشی از تفکر و ریشه‌های انقلاب اسلامی است. از نظر آمریکا و اسرائیل، ایران یک منطقه عادی به حساب نمی‌آید، زیرا در برابر نظم جهانی تمدن غربی و آمریکا در غرب آسیا ایستاده است. گناه ایران، در واقع مبارزه با تمامیت‌خواهی پرچمدارن تمدن غرب است.»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در بستر توبه‌ی تاریخی که بشر از طریق انقلاب اسلامی به میان آورد و به تعبیر شهید آوینی «رضوان‌الله تعالی علیه» عالم در محاصره‌ی حقیقت قرار گرفت، عهد با طاغوت بالاخره بعضاً در عده‌ای ظهور می‌کند تا در دل انقلاب اسلامی باقی‌مانده‌های روح تاریخی بیرون ریخته شود و این یک ضرورت است برای تصفیه‌ی انقلابی که بناست هرچه بیشتر حقیقت توحیدی خود را ظاهر کند زیرا معده‌ی انقلاب کاملاً در سلامت است که سموم غذاهایی که در آن وارد شده است را بیرون بریزد و این بهترین دلیل بر آن است که آینده از آن ما می‌باشد. و راستی! اگر این چهره‌ها که به نام انقلاب آمدند ولی به جان انقلاب افتادند، شخصیت خود را با انواع رانت‌خواری‌ها و باندبازی‌ها روشن نمی‌کردند و انقلاب را با وجود خود آلوده می‌کردند، آینده‌ی انقلاب به خطر نمی‌افتاد؟! موفق باشید